

انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جواد تقی زاده *

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

دریافت: ۸۷/۱ / ۲۱

پذیرش: ۸۷/۶/۲۴

چکیده

رئیس‌جمهور با رأی‌گیری همگانی مستقیم برای چهار سال انتخاب می‌شود و تجدید انتخاب او به صورت متوالی تنها برای یک دوره دیگر امکانپذیر است. شرایط انتخاب‌پذیری به ریاست‌جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. شورای نگهبان اضافه‌کردن شرایط و موانع جدید برای داوطلبان به‌وسیله مجلس شورای اسلامی را مغایر با قانون اساسی می‌داند. تأیید صلاحیت داوطلبان و نظارت بر انتخابات با شورای نگهبان است. انتخاب رئیس‌جمهور با نظام اکثریت مطلق دو مرحله‌ای است. مطابق اطلاق صدر اصل ۱۱۷ قانون اساسی برای انتخاب به ریاست‌جمهوری در مراحل اول یا دوم رأی‌گیری کسب اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان لازم است، اما نظریه تفسیری شورای نگهبان انتخاب رئیس‌جمهور با اکثریت نسبی را نیز در مرحله دوم می‌پذیرد. اگر ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از داوطلبان احراز صلاحیت شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد و اگر در فاصله دور نخست و دور دوم رأی‌گیری نیز یکی از دو داوطلب حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود. تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات به‌منظور فراهم‌کردن امکان مناسب تبلیغات برای داوطلبان باقیمانده است. قانونگذار اساسی می‌تواند با حکم به تجدید انتخابات امکان ثبت‌نام داوطلبان جدید را فراهم کند تا طرفداران داوطلب متوفا از نمایندگی در رقابت محروم نشوند. انتخاب رئیس‌جمهور بعدی باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره رئیس‌جمهور فعلی انجام شود. دوره ریاست‌جمهوری جدید با امضای حکم منتخب مردم به‌وسیله رهبری آغاز شود.



کلید واژه: انتخابات، رئیس‌جمهور، قانون اساسی، حقوق انتخاباتی، حقوق اساسی

۱- مقدمه

رئیس‌جمهور، عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبر است که وظایفی مشابه با وظایف رؤسای جمهور و رؤسای هیأت دولت را در سایر نظامهای سیاسی ایفا می‌کند. با ریاست سهرکنی بر قوه مجریه در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، رئیس‌جمهور علی‌رغم برخورداری از حقانیت سیاسی بالا در حیات سیاسی و اداره قوه مجریه نقش قابل توجهی نداشت [۱، صص ۵۹-۶۰]. وظایف مهم ریاست کشور بر عهده رهبری و وظایف مهم ریاست دولت بر عهده نخست‌وزیر قرار گرفت. حکم نخست‌وزیر پس از پیشنهاد رئیس‌جمهور و رأی تمایل مجلس به‌وسیله رئیس‌جمهور صادر می‌شد، اما پس از صدور حکم، اختیارات نظارتی مؤثر برای رئیس‌جمهور در حوزه اعمال قوه مجریه به‌وسیله نخست‌وزیر و هیأت وزیران پیش‌بینی نشده بود. با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف مقام نخست‌وزیری از جمع نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، دخالت و تأثیرگذاری رئیس‌جمهور در حیات سیاسی و اجتماعی گسترش پیدا کرد. هرچند برخی از وظایف ریاست‌جمهوری مانند تنظیم روابط قوای سه‌گانه در دایره وظایف و اختیارات رهبری قرار گرفت، اما نقش نخست‌وزیر در ریاست بر هیأت دولت به رئیس‌جمهور واگذار گردید. رئیس‌جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را به‌طور مستقیم، جز در اموری که به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد (اصل ۱۱۳).

ریاست هیأت وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت می‌کند و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیمات وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند (اصل ۱۳۴). نقش رئیس‌جمهور در فرایند نصب و عزل بسیاری از مقامات عالی‌کشوری از جمله وزیران، سفیران و استانداران قابل توجه است. مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور (اصل ۱۲۶)، اعطای نشانهای دولتی (اصل ۱۲۹) و امضای معاهدات دولت ایران با سایر دول و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی یا نتیجه همه‌پرسی با ریاست-جمهوری است (اصول ۱۲۳ و ۱۲۵). به دلیل اهمیت نهاد رئیس‌جمهور و جایگاه آن در نظام سیاسی، محدودیت دوره و توالی، شرایط انتخاب‌پذیری، تأیید صلاحیت داوطلبان و

نظارت بر انتخابات، روش انتخاب، زمان برگزاری انتخابات، فوت یکی از داوطلبان و امضای حکم ریاست جمهوری توجه قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران را جلب کرده است.

۲- محدودیت دوره و توالی ریاست جمهوری

هرچند که در باب طول دوره ریاست جمهوری و شمار تجدید انتخاب میان نظریه پردازان حقوق اساسی موافقت قطعی کامل وجود ندارد، امروزه محدودیت دوره ریاست جمهوری اصلی پذیرفته شده در دموکراسی نوین است [۲، ص ۵۶۶]. دوره مادام‌العمر ریاست جمهوری با طبع و منطق دموکراسی سازگار نیست، اما کشورهای دموکراتیک راه‌های متفاوتی را در خصوص بازانتخاب‌پذیری متوالی یا غیرمتوالی رئیس‌جمهور اتخاذ می‌کنند. در آلمان^۱ و اتریش^۲، مانند جمهوری پنجم فرانسه، انتخاب متوالی رئیس‌جمهور تنها برای یک دوره دیگر، اما در ایالات متحده آمریکا^۳ و ایرلند^۴ انتخاب مجدد (متوالی یا غیرمتوالی) تنها برای یک دوره دیگر امکانپذیر است. اصل ۹۱ نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی نیز تجدید انتخاب رئیس‌جمهور را تنها برای یک دوره دیگر می‌پذیرفت [۳، ص ۲۱۴]. رئیس‌جمهور در جمهوری سوم فرانسه بلافاصله بازانتخاب پذیر بود، اما در جمهوری دوم می‌توانست پس از گذشت چهار سال از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش داوطلب شود.

اصل ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است». دوره چهارساله ریاست جمهوری به آسانی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به تصویب رسید، اما بازانتخاب‌پذیری رئیس‌جمهور یکی از موضوعات بحث‌برانگیز مجلس مذکور شد.

موافقان عدم محدودیت در بازانتخاب‌پذیری رئیس‌جمهور معتقد بودند که نباید رئیس‌جمهور لایق را از حق داوطلبی، صرفاً به دلیل پایان دومین دوره متوالی ریاست جمهوری‌اش محروم کرد. موافقان محدودیت در بازانتخاب‌پذیری رئیس‌جمهور طولانی‌بودن دوره را غالباً منجر

۱. ماده ۵۴ قانون بنیادین آلمان فدرال

۲. ماده ۶۰ قانون اساسی اتریش

۳. اصلاحیه ۲۲ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۱

۴. بند ۳ ماده ۱۲ قانون اساسی ایرلند



به فساد، استبداد و انحصارطلبی می‌دانستند [۴، صص ۱۲۱۰-۱۲۱۴]. به هدف پرهیز از ظهور روحیه تحکم و ایجاد زمینه تمرکز قدرت و احیاناً استبداد در اداره امور کشور، قانونگذار اساسی، انتخاب مجدد رئیس‌جمهور به صورت متوالی را تنها برای یک دوره دیگر پذیرفت [۵، صص ۵۷۹-۵۸۰؛ ۶، ص ۲۸۹]. «طبق اصول پذیرفته شده در دموکراسی-های معتبر، انتخاب مجدد رئیس‌جمهور برای دو دوره متوالی بلامانع است» [۷، ص ۹۵]. محدودیت تصدی بیش از دو دوره متوالی ریاست‌جمهوری از شیوه‌های کنترل زمانی قدرت اجرایی به‌منظور جلوگیری از کشیده‌شدن به دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت و در نتیجه تمایل به فساد، تباهی و ظلم آفرینی است [۸، ص ۱۲۶]. بدیهی است که در صورت شایستگی و مقبولیت رئیس‌جمهور، متصدی این مقام در دو دوره متوالی می‌تواند پس از تصدی یک یا چند دوره به‌وسیله اشخاص دیگر در رقابت ریاست‌جمهوری حاضر شود. داوطلبی در رقابت انتخاب ریاست‌جمهوری نیازمند برخورداری از شرایط انتخاب‌پذیری است.

۳- دوم: شرایط انتخاب‌پذیری به ریاست‌جمهوری

اصل ۱۱۵ قانون اساسی مقرر می‌کند: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».

اصل ۱۱۵ قانون اساسی «تابعیت ایران» و «ایرانی‌الاصل بودن» و ماده ۹۸۲ قانون مدنی «تابعیت اصلی ایران» را برای انتخاب‌پذیری به ریاست‌جمهوری لازم می‌دانند. در این صورت تردیدی نیست که رئیس‌جمهور باید از اتباع اصلی ایران باشد، اما درباره مفهوم ایرانی‌الاصل اختلاف نظرهایی وجود دارد. در واقع ابهام در مراد قانونگذار اساسی از پیش‌بینی شرط ایرانی‌الاصل حقوقدانان ایرانی را به ارائه نظریات متفاوتی سوق داده است [۹، صص ۶۲-۶۴]. به نظر می‌رسد که با توجه به سابقه موضوع در قانون اساسی مشروطیت و پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز متن اصل ۱۱۵، «ایرانی‌الاصل بودن» شرطی متمایز از شرط تابعیت و حتی تابعیت اصلی است، زیرا این متون «ایرانی‌الاصل» و «تابعیت

۱. حضور اکبر هاشمی رفسنجانی در رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ مؤید این مطلب است.

ایران» را جداگانه ذکر کرده‌اند. منظور از ایرانی‌الاصل بودن ضرورت تعلق به خاندان و نسب ایرانی است و در واقع قانونگذار اساسی نوعی شایستگی نژادی را برای رئیس‌جمهور لازم می‌داند که این موضوع مصون از انتقاد نیست [۹، ص ۶۴]. ابهام در مراد قانونگذار اساسی در مورد سایر شرایط انتخاب‌پذیری ریاست‌جمهوری نیز صدق می‌کند؛ به عنوان مثال منظور از مبانی جمهوری اسلامی ایران که ایمان و اعتقاد به آن از شرایط ریاست‌جمهوری است، روشن نیست [۱۰، ص ۵۹]. مدیریت و تدبیر، مذهبی و سیاسی بودن، امانت و تقوا و دارای حسن سابقه بودن را می‌توان از شرایط شایستگی اجتماعی برای انتخاب‌پذیری دانست. بسیاری از این شرایط غیرقابل ارزیابی می‌باشند که این موضوع توان مانور نهاد ناظر را در تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان افزایش می‌دهد [۸، ص ۷۳]. شرایط انتخاب‌پذیری باید عینی و قابل ارزیابی باشد تا آزادی انتخابات و امنیت حقوقی شهروندان خدشه‌دار نشود.

به نظر می‌رسد که قانون اساسی زنان را از حق انتخاب‌پذیری به ریاست‌جمهوری محروم می‌داند. علی‌رغم وجود تردیدهایی در تبیین مراد قانونگذار اساسی از به کار بردن اصطلاح «رجال»، رویه عملی شورای نگهبان مبنی بر عدم تأیید صلاحیت هیچ یک از زنان در انتخابات نه‌گانه ریاست‌جمهوری مؤید محرومیت شهروندان با جنسیت مؤنث از این حق سیاسی است [۱۰، ص ۷۷]. پیش‌بینی شرط رجل بودن برای رئیس‌جمهور ریشه در نظریات فقهی برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی دارد که محرومیت زنان از زمامداری را از مسلمات فقه اسلام و دارای اتفاق علمای شیعه می‌دانستند [۴، صص ۱۷۶۸-۱۷۷۱].

پیش‌بینی شرایط انتخاب‌پذیری به ریاست‌جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و تأکید بند ۹ اصل ۱۱۰ مبنی بر تعیین شورای نگهبان به عنوان نهاد متصدی تأیید «صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید»، دلالت دارند که هیچ یک از نهادهای هنجارساز در جمهوری اسلامی ایران، غیر از قوه مؤسس نمی‌تواند توقعاتی را فراتر از شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ برای تصدی مقام ریاست‌جمهوری به تصویب برساند [۱۰، ص ۷۸].

در واقع تأکید بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مفید این معناست که صلاحیت داوطلبان محصور در نص اصل ۱۱۵ است و افزودن به آن نقض قانون اساسی است [۱۱، ص ۲۵؛ ۱۲، ص ۱۵۱]. اصل ۷۱ قانون اساسی صلاحیت هنجارسازی مجلس شورای اسلامی را در حدود مقرر در قانون اساسی می‌داند که نتیجه آن عدم صلاحیت قوه مقننه برای تعیین شرایط انتخاب‌پذیری

به ریاست جمهوری است. در این صورت شورای نگهبان قانون اساسی در نظریه مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵ در مورد لایحه انتخاب ریاست جمهوری اعلام می‌کند: «بند ۷ ماده ۱۰ لایحه مزبور که از جمله شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را داشتن حداقل ۳۰ سال سن قرار داده است، با توجه به اینکه اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مقام بیان شرایط رئیس‌جمهور، شرایط را احصا کرده و نصاب سنی تعیین نشده است و بند ۴ اصل ۱۱۰ نیز تأیید صلاحیت داوطلبان را از نظر دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی مطرح شده، به عهده شورای نگهبان گذاشته است، به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مغایر قانون اساسی می‌باشد» [۱۳، ص ۶۰]. شورای نگهبان در نظریه مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۵ در مورد لایحه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران نیز بر حصری بودن شرایط انتخاب‌پذیری به ریاست جمهوری تأکید می‌کند: «علاوه‌کردن شرایط یا در نظر گرفتن موانع در کنار شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با اصل مذکور مغایرت دارد» [۱۴، ص ۲۷۳].

به نظر می‌رسد که مراد شورای نگهبان از مغایرت لحاظ موانع انتخاب‌پذیری با قانون اساسی پیش‌بینی انتخاب‌ناپذیری مطلق است؛ زیرا شورا انتخاب‌ناپذیری نسبی برخی از مقامات عالی سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری را پذیرفت. ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ مقرر می‌داشت: «اعضای هیأت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای عالی قضایی و شورای نگهبان در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت‌نام از سمت خود استعفا کرده و در آن سمت شاغل نباشند». این ماده با ایراد مغایرت با قانون اساسی به‌وسیله شورای نگهبان مواجه نشد. اندکی پس از تصویب قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۳۷ به‌وسیله مجلس شورای اسلامی اصلاح شد که هدف اصلی آن استثنای نمایندگان مجلس از دایره انتخاب‌ناپذیران نسبی و در نتیجه امکان داوطلب‌شدن نمایندگان بدون لزوم استعفای آنان بود [۱۴، ص ۴۳۳]. ماده ۳۷ اصلاحی مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۶ مقرر می‌داشت: «اعضای هیأت دولت، اعضای شورای عالی قضایی، شورای نگهبان و مدیر عامل صدا و سیما در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت‌نام از سمت خود استعفا کرده و در آن سمت شاغل نباشند». تبصره ماده ۳۷ مقرر می‌داشت: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کارمندان دولت از زمان انتخاب برای ریاست جمهوری از سمت خود مستعفی شناخته می‌شوند».

قانونگذار می‌خواست به جای انتخاب‌ناپذیری نسبی نمایندگان مجلس شورای اسلامی،

۱. مراد بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی پیش از بازنگری سال ۱۳۶۸ است که در متن فعلی قانون اساسی بند ۹ اصل ۱۱۰ است.

استعفای خودبه‌خود از نمایندگی مجلس در صورت انتخاب به ریاست‌جمهوری را پیش‌بینی کند و حال آنکه صاحبان سایر سمت‌های عالی انتخاب‌ناپذیر نسبی بودند. شورای نگهبان قانون اساسی در نظریه مورخ ۱۳۶۵/۲/۳ خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی اعلام می‌دارد: «چون مبنای تصویب اصل ماده تنزه انتخابات از توهم سوءاستفاده از مقام است و این ملاک در بسیاری از صاحبان مقام دیگر نیز هست، فلذا منحصر نمودن استعفا به عناوین مذکور تبعیض ناروا و خلاف قانون اساسی است» [۱۴، ص ۴۳۲]. پیرو ایراد شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی از ذکر عناوین جزئی انتخاب‌ناپذیران نسبی خودداری و ماده ۳۷ به این ترتیب تغییر کرد: «کلیه افرادی که مسئولیت مستقیمی در امر انتخابات ریاست‌جمهوری به صورت اجرا و یا نظارت دارند، در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت‌نام از سمت خود استعفا نموده و در آن سمت شاغل نباشند». تأیید صلاحیت داوطلبان برای شرکت در رقابت انتخاب ریاست‌جمهوری لازم است.

۴- سوم: تأیید صلاحیت داوطلبان و نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری

اصل ۹۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد». اصل ۱۱۸ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری طبق اصل نود و نهم برعهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان، برعهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند». اصل ۱۱۸ بدون بحث جدی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تصویب گردید و تنها اشاره شد که مراد از قانون قبل از تشکیل مجلس شورای ملی، قانون مصوب شورای انقلاب است [۴، ص ۱۲۲۷]. در این صورت نظارت بر اولین انتخابات ریاست‌جمهوری به‌وسیله انجمن‌های نظارت به شیوه‌ای مشابه با نظارت بر انتخابات در پیش از انقلاب اسلامی صورت پذیرفت. کیفیت نظارت شورای نگهبان در قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌بینی شده است. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.^۱ هیأت مرکزی نظارت متشکل از هفت نفر از افراد

۱. ماده ۸ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران



مسلمان، مطلع، مورد اعتماد و دارای حسن سابقه به انتخاب شورای نگهبان بر کلیه مراحل انتخابات و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود، نظارت خواهند کرد.^۱ صدور اعتبارنامه رئیس‌جمهور با شورای نگهبان است که وزیر کشور پس از وصول آن، رئیس‌جمهور منتخب را به حضور رهبر معرفی می‌کند.^۲ نظارت شورا بر سایر رأی‌گیری‌های ملی، یعنی مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری و انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز انجام می‌شود. به دلیل تصریح قانونگذار اساسی بر مقام ناظر انتخابات و مقام تأییدکننده صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری، نظارت بر این انتخابات و تأیید صلاحیت داوطلبان، برخلاف نظارت بر انتخابات و تأیید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، با چالش جدی مواجه نشد. از زمان تشکیل شورای نگهبان تاکنون این نهاد وظایف دوگانه مذکور را انجام می‌دهد.

از محتوا و نصوص قانون اساسی استنباط می‌شود که از نظر قانونگذار اساسی، تمایز روشنی میان مرحله «نظارت بر انتخابات» و مرحله «تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان» وجود دارد [ص ۱۵، ۶۴]. مؤید این برداشت مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی است که برخی از اعضای آن علی‌رغم پذیرش نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، مطالب گسترده‌ای را در موافقت با واگذاری تأیید صلاحیت داوطلبان به رهبری یا شورای رهبری مطرح کرده‌اند [ص ۴، ۱۱۸۹-۱۱۹۵]. درنهایت بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی همراه با قراردادن تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری برعهده شورای نگهبان، احراز صلاحیت داوطلبان دوره اول ریاست‌جمهوری را به تأیید رهبری واگذار کرد. انتخاب رئیس‌جمهور با رأی‌گیری مستقیم و نظام اکثریت مطلق دو مرحله‌ای است.

۵- چهارم: روش انتخاب ریاست‌جمهوری

رئیس‌جمهورمقامی است که به‌تنهایی تمام مردم را نمایندگی می‌کند؛ زیرا منتخب مستقیم آنها در رأی‌گیری همگانی و در حوزه انتخابیه کشوری است. رأی‌گیری همگانی مستقیم به رئیس‌جمهور حقانیت و مقبولیت بالایی اعطا می‌کند تا بتواند از حمایت افکار عمومی برای

۱. ماده ۲ و ۴ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران

۲. ماده ۸۳ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران

پیشبرد برنامه‌های خود استفاده کند. نویسندگان پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، روش فرانسوی انتخاب ریاست‌جمهوری را در نظر داشتند؛ زیرا رئیس‌جمهور می‌باید وظیفه ریاست کشور را برعهده گیرد.^۱ متصدی این مقام نیازمند حقانیت بالایی بود تا بتواند وظایف ریاست‌جمهوری، خصوصاً اجرای قانون اساسی را با اقتدار کافی انجام دهد و این حقانیت جز با انتخاب مستقیم به وسیله مردم حاصل نمی‌شد. با وجود نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی، رئیس‌جمهور دومین مقام رسمی کشور و رئیس هیأت دولت است که در برابر مردم، مجلس شورای اسلامی و رهبری مسؤوول است (اصول ۱۱۳ و ۱۲۲). در این صورت برخی از خبرگان قانون اساسی با طرح اندیشه انتخاب غیرمستقیم ریاست‌جمهوری به دلیل عدم انجام وظایف رئیس کشور به وسیله متصدی این مقام، مراجعه به مجلس با تصویب دو سوم، سه چهارم یا امثال آنها را شیوه آسانتری برای انتخاب رئیس‌جمهور می‌دانستند.^۲ اعتقاد به لزوم برخورداری رئیس‌جمهور از پیوند مستقیم با مردم از طریق مراجعه به آرای عمومی، مجلس خبرگان قانون اساسی را به پذیرش شیوه انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور جهت می‌داد [۴، ص ۱۲۱۱].

اصل ۱۱۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرای بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند، برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند». در این صورت کسب اکثریت مطلق آرا برای انتخاب به ریاست‌جمهوری لازم است. قانونگذار اساسی اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان و نه اکثریت مطلق آرای واجدان شرایط

۱. اصل ۷۵ پیش‌نویس قانون اساسی مقرر می‌داشت: «رئیس‌جمهوری بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجرای قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را به عهده دارد».

۲. آقای رحمانی از خبرگان قانون اساسی ضمن ابراز مخالفت خویش با انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور اشاره داشتند که با توجه به اینکه رهبر دارای اختیارات اصلی است اما از طریق مجلس خبرگان انتخاب می‌شود چه وجهی دارد که رئیس‌جمهور منتخب مستقیم مردم باشد. انتخاب رئیس‌جمهور توسط مجلس برای حفظ تعادل لازم و نیازمند هزینه و زمان کمتری است. حتی آیت الله منتظری رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی پیشنهاد دادند که به جای رئیس‌جمهور شورای جمهوری متشکل از حداقل سه نفر در رأس قوه مجریه پس از رهبری قرار گیرد. نک. ۴، صص ۱۲۱۱-۱۲۱۲.



رأی دادن را ملاک می‌داند. رأی باطله‌ای که به عنوان رأی مأخوذه، یعنی شرکت‌کنندگان محسوب شده‌اند نیز در رقم تعداد کل آرا منظور می‌شود و رأی به نفع داوطلب نسبت به مجموع رأی مأخوذه سنجیده می‌شود. قانونگذار برخی از رأی باطل شده از جمله رأی تکراری یا آرای را که از طریق تهدید به دست آمده باشند در جمع رأی مأخوذه قرار نمی‌دهد، در این صورت در شمارش آرا لحاظ نمی‌گردند. اکثریت مطلق رأی شرکت‌کنندگان، اکثریت بیش از نصف مجموع آرای است که از شرکت‌کنندگان اخذ شده است [۱۶، ص ۲۳]. اکثریت مطلق، به طور لزوم نصف بعلاوه یک نیست بلکه بیش از نصف است [۱۷، ص ۲۷].

با تعیین نظام انتخاباتی، اکثریت مطلق نظر قانونگذار اساسی به طور مسلم بر این است که رئیس‌جمهور کشور که دارای اختیارات و وظایف خطیری است حتی‌المقدور از پشتوانه رأی موافق بیشتری برخوردار شود [۱۶، ص ۲۳]. حتی برخی از خبرگان قانون اساسی پیشنهاد می‌کردند که علاوه بر لزوم کسب اکثریت مطلق، کسب رأی حداقلی مثلاً یک چهارم یا یک پنجم از واجدین صلاحیت رأی دادن نیز شرط شود تا افراد فاقد رأی اکثریت قوی مردم به عنوان رئیس‌جمهور معرفی نشوند [۴، صص ۱۲۲۴-۱۲۲۵]. در صورت عدم کسب اکثریت مطلق به وسیله داوطلبان در دور اول، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود که در آن تنها دو داوطلب برتر دور اول رقابت می‌کنند. کناره‌گیری احتمالی هر یک از دو داوطلب برتر دور اول می‌تواند به ورود داوطلب بعدی در رقابت منجر شود.

از اطلاق بیان صدر اصل ۱۱۷ قانون اساسی معلوم می‌شود که در دور دوم رأی‌گیری نیز رئیس‌جمهور به شرطی انتخاب می‌شود که بیش از نصف رأی مأخوذ شده را به دست آورد [۱۶، ص ۲۴]. ماده ۱۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز لزوم کسب اکثریت مطلق برای انتخاب شدن بدون اشاره به مراحل اول یا دوم رأی‌گیری را تعیین کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «انتخابات رئیس‌جمهوری با کسب اکثریت مطلق آرا می‌باشد». قانونگذار مشخص نمی‌کند که در صورت عدم کسب اکثریت مطلق در مرحله دوم تکلیف چیست؛ زیرا ممکن است رأی دو نفر نزدیک به هم باشد و رأی سفید، یعنی آرای که روی آن نام کسی نوشته نشده است، باعث شود که اکثریت مطلق به وسیله هیچ یک از داوطلبان به دست نیاید. در این صورت لزوم کسب اکثریت مطلق برای انتخاب رئیس‌جمهور در مرحله دوم می‌تواند مورد تردید قرار گیرد. این تردید با پیش‌بینی برگزاری مرحله دوم رأی‌گیری و عدم پیش‌بینی

۱. ماده ۲۶ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران

مراحل احتمالی بعدی یا تجدید انتخابات تقویت می‌شود. عدم امکان برگزاری مراحل بعد از مرحله دوم و در نتیجه عدم ادامه رقابت داوطلبان حاضر کاملاً منطقی است؛ زیرا در صورت برخورداری داوطلبان حاضر از مقبولیت کافی قاعداً در همان مراحل اول یا دوم، اکثریت مطلق آرا به وسیله یکی از آنها اخذ می‌شود. برخی از حقوقدانان معتقدند که در صورت عدم کسب اکثریت مطلق به وسیله هیچ یک از دو داوطلب مرحله دوم مجموع انتخابات ریاست جمهوری باید از نو تجدید شود [۱۶، ص ۲۷]. این راه حل با فلسفه پیش‌بینی اکثریت مطلق جهت انتخاب ریاست جمهوری یعنی برخورداری رئیس‌جمهور از حقانیت و مقبولیت بالا نیز هماهنگ است. برخی دیگر انتخاب رئیس‌جمهور را با اکثریت نسبی در مرحله دوم بدیهی می‌دانند که این برداشت با نظریه مفسر رسمی قانون اساسی سازگار است [۱۸، ص ۱۶۲].

در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۹ آقای علی اکبر ناطق نوری وزیر وقت کشور در نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان نوشت: «به طوری که استحضار دارند به موجب اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود و در صورتی که در مرحله اول هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود. با عنایت به اینکه کیفیت انتخاب رئیس‌جمهور در مرحله دوم مشخص نشده، خواهشمند است دستور فرمایند در پاسخ اعلام نمایند که در مرحله دوم نیز اکثریت مطلق آرا ملاک عمل خواهد بود یا اکثریت نسبی آرا کافی است» [۱۹، ص ۱۶۷].

شورای نگهبان در مقام پاسخگویی به وزیر کشور با ارائه نظریه تفسیری مورخ ۱۳۶۴/۴/۵ اعلام داشت: «در دوره دوم هر یک از دو نفر که اکثریت داشته باشند، انتخاب می‌شود. نهایت این است که اگر در قانون انتخابات آرا مربوط به غیر این دو نفر باطل اعلام شود که در این صورت صاحب اکثریت به اکثریت مطلق انتخاب شده است و اگر آرا مربوط به دیگران را هم در جمع آرا به حساب بیاورند، به اکثریت نسبی انتخاب شده است و در هر صورت نتیجه واحد است و فردی که اکثریت دارد منتخب و بعد از آن تجدید انتخابات قانونی نیست» [۱۹، ص ۱۶۸].

بنابراین در مرحله دوم اکثریت نسبی برای انتخاب به ریاست جمهوری کافی است. اکثریت مورد نیاز برای انتخاب به ریاست جمهوری در مرحله دوم انتخابات توجه خبرگان قانون اساسی را نیز جلب کرده بود. نایب رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بیان می‌کند که مردم در مرحله دوم فقط به یکی از دو نفر رأی می‌دهند و هر کدام رأی بیشتری آورد خودبه‌خود حائز اکثریت مطلق خواهد شد [۴، ص ۱۲۲۶]. حصول خودبه‌خود اکثریت مطلق در مرحله دوم زمانی



صحیح است که تنها آرای به نفع دو داوطلب حاضر در شمارش آرا لحاظ شود و حال آنکه هم قانونگذار اساسی از اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان سخن می‌گوید و هم قانون انتخابات ریاست‌جمهوری (مواد ۲۵ و ۲۸) برخی آرای باطل‌شده مانند آرای سفید را در جمع آرای مأخوذشده قرار می‌دهد. در این صورت شمارش آرای مرحله دوم لزوماً به کسب اکثریت مطلق به‌وسیله یکی از دو داوطلب منجر نمی‌شود و ممکن است هیچ یک از آنها حائز اکثریت مطلق نگردد.

امکان کسب آرای برابر به‌وسیله دو داوطلب در مراحل اول یا دوم انتخابات ریاست‌جمهوری بسیار بعید است، اما وقوع آن می‌تواند به چالش در حیات سیاسی منجر شود. در صورت کسب آرای برابر به‌وسیله دو داوطلب در مرحله دوم رأی‌گیری باید به تجدید انتخابات حکم کرد؛ زیرا هیچ یک از طرفین اکثریت را به دست نیاورده است تا بتواند به عنوان رئیس‌جمهور معرفی گردد. اگر دو داوطلب با کسب آرای برابر در مرحله اول به صورت مشترک در رده اول قرار گیرند، هر دوی آنها به مرحله دوم راه پیدا می‌کنند تا یکی از آنها به ریاست‌جمهوری انتخاب شود. اما حکم قانونگذار درباره حالت قرار گرفتن دو داوطلب به صورت مشترک در رده دوم در اثر کسب آرای برابر در مرحله اول مشخص نیست. حضور هر دو نفر دوم به همراه نفر اول در مرحله دوم انتخابات، یعنی برگزاری مرحله دوم رأی‌گیری با سه داوطلب ممکن نیست؛ زیرا قانونگذار اساسی تنها شرکت دو نفر از نامزدها را در دور دوم رأی‌گیری می‌پذیرد. به عبارت دیگر، فقط یکی از دو نفر دوم می‌تواند در مرحله دوم رقابت شرکت کند. راه‌حلهایی مانند برتری داوطلب مسن‌تر، جوانتر یا دارای تحصیلات بالاتر و یا قرعه را می‌توان پیشنهاد کرد تا یکی از دو نفر برای حضور در مرحله دوم به همراه نفر اول برگزیده شود. قانونگذار می‌تواند یکی از راه حل‌های مذکور را انتخاب کند تا این خلأ حقوقی از نظم اساسی رفع شود. برخی از حقوقدانان بر لزوم قرعه‌کشی بین دو نامزد با آرای مساوی برای معرفی نامزد دوم شرکت‌کننده در دور دوم انتخابات نظر می‌دهند [۱۶، ص ۲۶].

قانون اساسی روز جمعه را روز اخذ رأی دور دوم انتخابات می‌داند، اما درباره زمان اخذ رأی دور اول تصریح ندارد. تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری روز جمعه را به‌طور کلی به‌عنوان روز رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور قرار می‌دهد. تعیین روز جمعه برای انجام رأی‌گیری به‌وسیله قانونگذار با التفات به فراغت شرکت‌کنندگان در این روز به دلیل تعطیلی رسمی است [۱۶، ص ۲۵]. اما پیش‌بینی روز جمعه پس از دور اول رأی‌گیری برای

برگزاری مرحله دوم انتخابات مناسب نیست؛ زیرا فرصت کافی را در اختیار داوطلبان مرحله دوم برای تبلیغات و رأی‌دهندگان برای انتخاب با آگاهی بیشتر قرار نمی‌دهد. شایسته است فاصله مراحل اول و دوم انتخابات به دو هفته افزایش پیدا کند تا رأی‌دهندگان بتوانند با بصیرت لازم به انتخاب یکی از دو داوطلب بپردازند. شمارش آرای مرحله اول چندین روز به درازا می‌کشد و شورای نگهبان نیز باید نتیجه مرحله اول رأی‌گیری را تأیید کند تا بتوان مرحله دوم انتخابات را برگزار کرد. انتخابات ریاست‌جمهوری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که پیش از پایان دوره رئیس‌جمهور کنونی، رئیس‌جمهور بعدی انتخاب شود.

۶- پنجم: زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری

اصل ۱۱۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «انتخاب رئیس‌جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس‌جمهور جدید و پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق، رئیس‌جمهور پیشین وظایف رئیس‌جمهوری را انجام می‌دهد».

استفاده از واژه‌های «سابق»، «پیشین» یا «قبلی» در اصل ۱۱۹ قانون اساسی برای رئیس‌جمهور کنونی و در حال فعالیت مناسب نیست. قانونگذار اساسی می‌توانست به جای واژه‌های «سابق»، «پیشین» و «قبلی»، از واژه‌های «کنونی» یا «فعلی» و به جای واژه «جدید» از واژه «بعدی» در اصل ۱۱۹ استفاده کند. به این ترتیب شاید اختلاف برداشتها از حکم قانون اساسی تحقق پیدا نمی‌کرد. برخلاف نظر برخی از نویسندگان باید اذعان کرد که حکم اصل ۱۱۹ قانون اساسی مبنی بر انجام وظایف ریاست‌جمهوری به‌وسیله رئیس‌جمهور پیشین برای فاصله زمانی بین انتخاب رئیس‌جمهور جدید و پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق و نه فاصله زمانی بین پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق تا انتخاب رئیس‌جمهور جدید است [۵، ص ۵۸۹؛ ۱۶، ص ۲۷]. مؤید این مطلب نکته‌ای است که نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی در مقام پاسخگویی به ایراد زیادی‌بودن جمله دوم با وجود جمله اول در اصل ۱۱۹ بیان می‌کند: «این (جمله دوم) فقط تصریح است؛ یعنی چیزی را که مفهوم جمله اول می‌رساند با تصریح تبدیل به منطوق کرده‌اند» [۴، ص ۱۲۳۰]. انتخاب رئیس‌جمهور برای یک دوره چهار ساله است و اصولاً رئیس‌جمهور بعدی پیش از پایان دوره چهار سال ریاست‌جمهوری کنونی انتخاب می‌شود، در این صورت حتی با تعیین رئیس‌جمهور بعدی،



رئیس‌جمهور فعلی تا پایان دوره ریاست‌جمهوری خویش به اجرای وظایف می‌پردازد. چگونگی تصدی وظایف رئیس‌جمهور در صورت پایان دوره ریاست‌جمهوری و عدم انتخاب رئیس‌جمهور جدید در اصل ۱۳۱ قانون اساسی تعیین شد. اصل ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور و یا در موردی که مدت ریاست‌جمهوری پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسؤولیتهای وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود، ...». فوت، استعفا، عزل، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور از وقایعی می‌باشد که برگزاری انتخابات زود هنگام را ضروری می‌کند. شورای انتخابات ریاست‌جمهوری که پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ کفالت ریاست‌جمهوری را نیز بر عهده می‌گرفت^۱ موظف است انتخاب رئیس‌جمهور جدید را در حداقل زمان ممکن و حداکثر ظرف مدت پنجاه روز فراهم کند. فلسفه شورای انتخابات ریاست‌جمهوری این است که عدم تعلل در اعلام انتخابات به وسیله وزارت کشور را تضمین کند و اطمینان‌خاطری برای برگزاری انتخابات حداکثر ظرف پنجاه روز باشد [۲۰، ص ۲۸۲]. شورای انتخابات ریاست‌جمهوری به منظور تضمین صحت و برگزاری بیطرفانه انتخابات نیز است [۲۱، صص ۱۰۲۸، ۱۰۴۷، ۱۰۶۴].

۱. اصل ۱۳۰ قانون اساسی سال ۱۳۵۸ مقرر می‌داشت: «در هنگام غیبت یا بیماری رئیس‌جمهور، شورایی به نام شورای موقت ریاست‌جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس‌مجلس شورای ملی و رئیس دیوان‌عالی‌کشور، وظایف او را انجام می‌دهد، مشروط بر اینکه عذررئیس‌جمهور بیش از دو ماه ادامه نیابد و نیز در مورد عزل رئیس‌جمهور یا در موردی که مدت ریاست‌جمهوری سابق پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده، وظایف ریاست‌جمهوری برعهده این شورا است». اصل ۱۳۱ مصوب ۱۳۵۸ مقرر می‌داشت: «در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس‌جمهور یا موجدات دیگری از این‌گونه، شورای موقت ریاست‌جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری را جز در امر همه‌پرسی برعهده دارد».

ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و مواد ۷، ۸، و ۹ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۴ برای ناظر انتخابات، یعنی ابطال، توقف یا تجدید انتخابات می تواند از اسباب تأخیر اعلام نتیجه انتخاب رئیس جمهور شود؛ به گونه ای که دوره ریاست جمهوری قبلی به پایان رسد، اما رئیس جمهور جدید هنوز نتخاب نشده باشد. در این صورت دوره ریاست جمهوری و حقانیت تصرفات رئیس جمهور قبلی پایان می یابد و کفیل ریاست جمهوری به انجام وظایف این مقام می پردازد. قانونگذار اساسی می خواهد زمینه تعلل در انجام انتخاب و تعیین رئیس جمهور بعدی را از رئیس جمهور کنونی سلب کند؛ زیرا حتی اگر رئیس جمهور جدید انتخاب نشود، رئیس جمهور قبلی به انجام وظایف نخواهد پرداخت و کفیل ریاست جمهوری با انتخاب رهبر به وظایف این مقام می پردازد. نظر قانون اساسی بر این است که هیچ عاملی حقوق مردم را تعطیل نکند و رئیس جمهور با پایان گرفتن دوره چهار ساله اش مقام ریاست جمهوری را ترک گوید و کرسی را به منتخب جدید بسپارد [۲۲، ص ۲۹۱].

در فرانسه انتخاب رئیس جمهور جدید باید ظرف مدت بیست تا سی و پنج روز پیش از پایان دوره ریاست جمهوری کنونی صورت گیرد و شورای قانون اساسی می تواند انجام رأی گیری را در صورت لزوم حداکثر تا سی و پنج روز از تاریخ اخذ تصمیم خویش به تعویق اندازد. تعویق انتخاب ریاست جمهوری فرانسه در حالت قوه قاهره نیز به تشخیص شورای قانون اساسی امکان پذیر است. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

۱. ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مقرر می دارد: «چنانچه شورای نگهبان به دلایلی انتخابات ریاست جمهوری را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید، وزارت کشور با کسب نظر شورای نگهبان در اولین فرصت نسبت به تجدید انتخابات اقدام می نماید.»

۲. ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مقرر می دارد: «شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با نکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه های همگانی اعلام می نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم الاجرا است و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.»

۳. ماده ۸ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مقرر می دارد: «پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور چنانچه شورای نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیأت اجرایی، نحوه تبلیغات و مانند آن تخلفاتی مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد، انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می دارد.»

۴. ماده ۹ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مقرر می دارد: «در مواردی که توقف یا ابطال بنا به نظر شورای نگهبان در تعیین رئیس جمهور مؤثر باشد، قبل از اعلام نتایج کل انتخابات، در اولین فرصت، اخذ رأی در آن مناطق ادامه یافته یا تجدید خواهد شد.»



انتخاب رئیس‌جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و قانونگذار اساسی اختیار موقوف کردن انتخابات به تاریخی بعد را به مقامی واگذار نکرده است [۱۶، ص ۱۱۱].

توقف یا ابطال انتخابات به وسیله شورای نگهبان بر اساس قانون انتخابات ریاست جمهوری یا قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند به اعلام تعویق انتخابات به وسیله شورا منجر شود. قانونگذار اساسی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پیش از پایان دوره به وسیله فعلی حداکثر زمانی پیش‌بینی نکرده است. با لحاظ ذیل اصل ۱۱۶ قانون اساسی که (نحوه برگزاری انتخاب رئیس‌جمهور را به قانون واگذار کرده است) ماده ۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری وزارت کشور را موظف می‌نماید که سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم کند و با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی، مراتب برگزاری انتخابات و شروع ثبت‌نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند. این موضوع از انتخاب بسیار زود هنگام رئیس‌جمهور بعدی جلوگیری می‌کند. نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند (اصل ۱۱۶). چگونگی اعلام رسمی داوطلبی در ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری تعیین شده است که مطابق آن داوطلبان یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه کرده و پرسشنامه اعلام داوطلبی را دریافت، تکمیل و تسلیم کنند. فوت یکی از داوطلبان مراحل اول یا دوم می‌تواند انتخاب رئیس‌جمهور جدید را با تأخیر مواجه سازد.

۷- ششم: فوت یکی از داوطلبان ریاست جمهوری

اصل ۱۲۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده است فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود». تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات در اثر فوت یکی از نامزدها از دو جنبه قابل بررسی است: یکی ادای احترام و حفظ حرمت شخصیت فقیدی که می‌توانست با صلاحیتهای علمی، اخلاقی و مدیریتی خویش برای جامعه مفید باشد و دیگر اینکه انتخابات سالم مستلزم جوی به دور از آثار حاشیه‌ای رخدادهای

اجتماعی است و چه بسا فوت یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری جریان احساسی موقتی را در سراسر جامعه به وجود آورد که بر انتخابات نیز مؤثر افتد [۲۳، ص ۳۶۵]. قانونگذار اساسی تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات را فقط برای صورتهایی پیش‌بینی می‌کند که یکی از نامزدهای احراز صلاحیت شده در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یا یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست در فاصله دور نخست و دور دوم فوت کنند. فوت یکی از داوطلبان پس از مهلت ثبت‌نام و پیش از احراز صلاحیت یا پس از احراز صلاحیت، اما بیش از ده روز به رأی‌گیری یا مواجه شدن داوطلبان با مانع و نه فوت از اسباب تمدید یا تأخیر انتخابات نمی‌باشد. تحریر نامناسب ذیل اصل ۱۲۰ به گونه‌ای است که حکم قانونگذار اساسی در خصوص فوت یک یا هر دو داوطلب حاضر دور دوم در صورت کناره‌گیری یک یا هر دو نفر حائز اکثریت دور نخست روشن نیست. قانونگذار اساسی می‌توانست هم حالت مانعیت را در کنار فوت داوطلبان اضافه کند و هم فوت یا مانعیت هر داوطلب حاضر در مرحله دوم و نه فقط فوت دو نفر حائز اکثریت آرا در دور نخست (که ممکن است با کناره‌گیری در مرحله دوم حاضر نباشند) را از اسباب تأخیر یا تمدید انتخابات قرار دهد.

در صورت فوت یکی از داوطلبان ریاست‌جمهوری، انتخابات تنها برای دو هفته به تأخیر می‌افتد یا تمدید می‌شود، بدون اینکه مجموع عملیات انتخاباتی تجدید و امکان ورود داوطلبان جدید فراهم شود. علی‌رغم پیشنهاد برخی از خبرگان قانون اساسی، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نه از تجدید عملیات انتخاباتی استقبال کرد و نه حالت مانعیت مانند مجروح شدن یا مصدومیت یکی از داوطلبان به گونه‌ای که قادر به شرکت در رقابت نباشد را در کنار فوت از اسباب تأخیر یا تمدید انتخابات قرار داد [۴، ص ۱۲۳۱]. لذا در صورت فوت یا مانعیت داوطلبان دارای اقبال بالای انتخاب شدن، حامیان او می‌توانند تنها به گزینش از میان داوطلبان باقیمانده بپردازند. داوطلبی برخی از اشخاص به گونه‌ای است که ورود به رقابت را برای همفکران آنها نامناسب می‌سازد، اما اگر همین اشخاص فوت کنند یا با مانع مواجه شوند به‌طور یقین احزاب و طرفداران آنها زمینه حضور فرد دیگری را فراهم خواهند کرد که چه بسا به ریاست‌جمهوری انتخاب شود. قانونگذار اساسی می‌توانست تجدید عملیات انتخاباتی از نو را مقرر کند. این موضوع در اصل ۹۵ نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی پیش‌بینی شده بود. این اصل مقرر می‌داشت: «هرگاه یک هفته پیش از روز رأی‌گیری یکی از داوطلبان فوت کند، انتخابات به مدت یک هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و



دور دوم نیز یکی از دو انتخاب شده دوره نخست فوت کند، انتخابات تجدید می‌شود» [۳، ص ۲۱۵]. تدوین‌کنندگان نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی می‌خواستند با تجدید انتخابات زمینه حضور احتمالی داوطلبان جدید را در رقابت فراهم کنند. به‌طور یقین در صورت تحقق فوت یکی از داوطلبان ریاست جمهوری ضرورت ورود داوطلبان جدید توجه افکار عمومی و نقش‌آفرینان سیاسی را جلب خواهد کرد. شایسته است قانونگذار اساسی برای تضمین ویژگی رقابتی انتخاب ریاست‌جمهوری و فراهم کردن زمینه انتخاب و مشارکت برای خیل عظیم شهروندان حامی داوطلب متوفا، به تجدید انتخابات حکم کند. این راه حل هم منصفانه است چون به محرومیت رأی‌دهندگان علاقه‌مند به تفکر سیاسی نامزد متوفا از حق انتخاب منجر نمی‌شود و هم از انتخاب افراد فاقد مقبولیت کافی جلوگیری می‌کند؛ زیرا در صورت عدم امکان ثبت‌نام داوطلبان جدید، یکی از داوطلبان باقیمانده به ریاست‌جمهوری انتخاب می‌شود.

مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مؤید این مطلب است که فراهم‌کردن امکان تبلیغات برای داوطلبان باقیمانده هدف اکثریت خبرگان قانون اساسی از پیش‌بینی تأخیر یا تمدید انتخابات بوده است [۴، ص ۱۲۳۱]. خبرگان قانون اساسی از پیشنهاد تجدید انتخابات و در نتیجه امکان ثبت‌نام داوطلبان جدید در صورت فوت یکی از داوطلبان پیش از مرحله اول یا فوت یکی از داوطلبان حائز اکثریت آرای مرحله نخست استقبال نکردند. با توجه به عدم ویژگی هنجاری مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی مجلس شورای اسلامی می‌تواند بر امکان ثبت‌نام دوباره داوطلبان در صورت حدوث هر یک از دو حالت مذکور در اصل ۱۲۰ قانون اساسی حکم کند. البته اجرای احتمالی چنین مقرره‌ای، بر فرض تصویب، در محدوده دو هفته‌ای مقرر در اصل ۱۲۰ بسیار مشکل خواهد بود. نویسندگان نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی (با آگاهی از حقوق فرانسه) در تدوین متن پیشنهادی اصل ۱۲۰ (تحت عنوان اصل ۹۵) هم تأخیر انتخابات را محصور به فوت یکی از داوطلبان احراز صلاحیت شده ندانسته بودند و هم در صورت فوت یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست تجدید و نه تمدید انتخابات را پیش‌بینی کرده بودند. در این صورت با حکم به تجدید انتخابات و عدم تعیین مهلت زمانی خاص (مثلاً دو هفته)، نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی امکان از سرگیری مجموع عملیات انتخاباتی و ثبت نام دوباره داوطلبان را فراهم می‌کرد. نکته مذکور به‌وسیله برخی از موافقان تجدید انتخابات در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مطرح شد که مورد استقبال

قرار نگرفت^۱. البته در متن پیش‌نویس ارائه شده به‌وسیله دولت بازرگان به مجلس خبرگان قانون اساسی «تجدید مهلت انتخابات» ذکر شد که عملاً با «تمدید مهلت انتخابات» تفاوت قابل توجهی نداشت.

اصل ۸۱ پیش‌نویس قانون اساسی مقرر می‌کرد: «هرگاه ده روز پیش از روز رأی‌گیری یکی از داوطلبان فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد، اگر در فاصله دور نخست و دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات تجدید می‌شود». تردیدی نیست که «تجدید مهلت انتخابات» با «تجدید انتخابات» متفاوت است. تجدید مهلت انتخابات و شرکت دادن نفر سوم به جای داوطلب متوفا عادلانه نیست و بدرستی انتخاب ملت ضربه می‌زند؛ زیرا احتمال دارد در حزب یا گروهی که کاندیدای نخست آن فوت کرده است، شخصیتی باشد که بمراتب بیش از سایر داوطلبان مورد اعتماد ملت است. تجدید مهلت و نه تجدید انتخابات امکان برگزیدن چنین شخصیتی را از بین می‌برد [۲۴، ص ۲۷۰]. استفاده از واژه «تجدید» در متن پیشنهادی دولت موقت به ابهاماتی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی کشیده شد^۲. در آخرین جلسه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که تمام اصول تدوین شده قرائت شد و به امضای نمایندگان رسید، کلمه «تمدید» به جای «تجدید» قرار گرفت [۲۵، ص ۱۸۶۶]. با لحاظ تفاوت میان «تمدید» و «تجدید» انتخابات، مجلس شورای اسلامی متن ماده ۱۶ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۳۶۴ به این صورت تصویب کرد: «چنانچه در مرحله دوم یکی از دو نفر حائز اکثریت فوت کند و تنها یک نفر در جدول باقی بماند، انتخابات پس از گذشت دو هفته تجدید می‌شود». شورای نگهبان کلمه «تجدید»

۱. آقای شبیانی از خبرگان قانون اساسی بیان می‌کنند: «اینجا که نوشته شده مهلت انتخابات تجدید می‌شود، یک منظوری بوده است و آن این بوده است که فرض کنیم یک کاندیدایی که مورد نظر مردم است فوت می‌کند، چون لیست بسته شده است دیگر مردم نفر مورد اطمینان خودشان را نمی‌توانند انتخاب کنند به این جهت گفته‌اند تجدید بشود؛ یعنی دوباره فرد معرفی بشود». نایب رئیس مجلس خبرگان می‌گویند: «آقای دکتر شبیانی ببینید نفر اول که فوت می‌کند مثل این است که نفر اول منصرف شود در این حالت چه کار می‌کردید؟ می‌گفتید انتخابات را تجدید کنید؟». آقای شبیانی اشاره می‌کنند که: «این فرق می‌کند ... آنهایی که پیشنهادشان (تجدید) بوده از این جهت بوده که مردم بتوانند کاندیدای مورد نظرشان را انتخاب کنند». سپس رأی‌گیری و اصل تصویب شد [۴، صص ۱۲۲۱-۱۲۲۲].

۲. یکی از خبرگان قانون اساسی می‌پرسد: «اینجا نوشته‌اید اگر در فاصله دور نخست و دوم نیز یکی از حائزین اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات تجدید می‌شود، یعنی چه؟ یعنی انتخابات به کلی تجدید می‌شود؟» آیت الله شهید بهشتی در مقام پاسخگویی می‌گویند: «ما نوشته‌ایم مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود، اصلاح شده است؛ یعنی نفر سوم فرصت داشته باشد که بیاید و برای خودش تبلیغ کند» [۴، ص ۱۲۲۱].

در ماده مذکور را با اصل ۱۲۰ قانون اساسی که تصریح به تمدید دارد، مغایر دانست که پیرو آن در متن ماده ۱۶ تمدید دو هفته‌ای انتخابات درج شد [۱۴، صص ۲۷۴ و ۲۷۸].

تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات در اثر فوت یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری ایران به منظور فراهم کردن امکان مناسب تبلیغات برای داوطلبان باقیمانده است [۵، ص ۵۹۰؛ ۱۶، ص ۲۶] و حال آنکه شایسته است اهداف دیگری نیز لحاظ شوند. ماده ۷ قانون اساسی فرانسه سه حالت را در صورت فوت یا مانعیت داوطلبان از هم متمایز و احکام جداگانه‌ای را برای آنها مقرر می‌کند:

الف) اگر در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای تحویل معرفی نامه‌ها (ثبت‌نام) یکی از اشخاصی که حداقل سی روز قبل از این تاریخ تصمیم خویش بر داوطلب شدن را به‌طور علنی اعلام کرده است، فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد، شورای قانون اساسی می‌تواند تعویق انتخاب را تصمیم‌گیری کند.

ب) اگر پیش از مرحله اول یکی از داوطلبان فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد، شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌کند.

ج) در صورت فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حایز بیشترین آرا در مرحله اول پیش از کناره‌گیری احتمالی، شورای قانون اساسی اعلام می‌کند که باید از نو تمام عملیات انتخاباتی انجام شود. در صورت فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حاضر در مرحله دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. تعویق یا تجدید انتخاب ریاست‌جمهوری در فرانسه به طرفداران داوطلب متوفا یا دارای مانع اجازه می‌دهد تا نامزد جدیدی را معرفی کنند و در رقابت انتخاباتی نمایندگی گردند.

ماده ۱۵ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ مقرر می‌دارد: «چنانچه در هر مرحله از انتخابات ریاست‌جمهوری به هر دلیل فقط یک نامزد در جدول انتخابات باقی بماند، بلافاصله دستور شروع مجدد انتخابات صادر می‌شود». ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تثبیت تعداد کاندیداها در انتخابات نیز مقرر می‌دارد: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه انتخابات (بجز انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای کشوری) در سطوح منطقه‌ای و ملی به شرطی قابل اجرا است که تعداد کاندیداها، حداقل دو برابر منتخبین مورد نیاز باشد». تبصره ۲ ماده واحده مذکور مقرر می‌دارد: «پس از پایان ثبت نام اگر یک یا چند نفر از کاندیداها استعفا دهند و یا فوت کنند، انتخابات در بین افراد و یا برای فرد باقیمانده برگزار و این امر موجب توقف انتخابات

نخواهد شد». حذف ماده ۱۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری در قوانین انتخاباتی منتشر شده به وسیله وزارت کشور مؤید این مطلب است که متصدیان برگزاری انتخابات معتقدند این ماده با تصویب تبصره ۲ ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام کاملاً نسخ ضمنی شد [۲۶، ص ۳]. به نظر می‌رسد که این برداشت فاقد وجاهت حقوقی است. ماده ۱۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری با تصویب تبصره ۲ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام نه نسخ کلی بلکه نسخ جزئی گردید. در واقع اگر بقای یک نامزد در رقابت به دلیل غیاب سایر داوطلبان در اثر فوت یا استعفا باشد، باید انتخابات را برای فرد باقیمانده برگزار کرد. اما اگر عدم امکان حضور داوطلبان نه در اثر فوت یا استعفا بلکه در اثر موانعی مانند اسارت یا بیماری باشد، باید با توجه به حکم کلی ماده ۱۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری دستور شروع مجدد انتخابات صادر شود. برداشت اخیر با اصل تعدد نامزدهای ریاست جمهوری مستخرج از اصول ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به وسیله برخی از حقوقدانان ارائه شده است سازگارتر است [۲۲، ص ۲۹۱؛ ۲۷، ص ۱۴۳].

«معنی انتخاب این است که یک نفر از بین جمع برگزیده شود و در موردی که فقط یک نفر داوطلب انتخابات باشد، مسأله انتخابات مطرح نیست» [۲۲، ص ۲۹۱؛ ۲۷، ص ۱۴۳]. حکم منتخب مردم باید به امضای رهبری برسد تا دوره ریاست جمهوری جدید آغاز شود.

۸- هفتم: امضای حکم ریاست جمهوری

بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی امضای حکم ریاست جمهوری را از وظایف و اختیارات رهبری و ماده ۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری آغاز دوره فعالیت رئیس جمهور منتخب را از تاریخ تنفیذ حکم به وسیله رهبری می‌دانند. آیا امضای حکم ریاست جمهوری تشریفاتی است و رهبر موظف است حکم رئیس جمهور منتخب مردم را امضا کند یا تشریفاتی نیست؛ به گونه‌ای که رهبر می‌تواند با خودداری از امضای آن زمینه تجدید انتخابات را فراهم کند؟ تاکنون تمام رؤسای جمهور منتخب مردم با امضای حکم به وسیله رهبری مواجه شدند. ضرورت پاسخگویی به این پرسش زمانی تشدید می‌شود که مقام رهبری به امضای حکم منتخب مردم مبادرت نرزد. مطابق اصل ۶ قانون اساسی اداره امور کشور در جمهوری اسلامی ایران به اتکای آرای عمومی، یعنی از طریق همه‌پرسی یا انتخابات از جمله انتخاب رئیس جمهور است. اداره امور کشور با اتکا

به آرای عمومی تغییرناپذیر و از موضوعات غیر قابل بازنگری در قانون اساسی است (اصل ۱۷۷). موافقان تشریفاتی بودن امضای رهبر معتقدند که عدم امضای حکم ریاست جمهوری به معنای بی‌اعتنایی رهبری در قبال رأی مردمی است که به ابراز حاکمیت ملی می‌پردازند. صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری به‌وسیله شورای نگهبان تأیید می‌شود که فقهای آن منصوب مستقیم رهبری می‌باشند و در انتخاب حقوقدانان آن رئیس قوه قضاییه که منصوب مستقیم رهبری است، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (اصل ۹۱). ارتباط شورای نگهبان با رهبری به‌گونه‌ای است که برخی از حقوقدانان تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری را به‌صورت غیرمستقیم بر عهده رهبری می‌دانند [۲۸، صص ۱۳۴-۱۳۵]. تأیید صلاحیت دو نفر از داوطلبان انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری به‌وسیله شورای نگهبان با دخالت رهبری می‌تواند این برداشت را تقویت کند. شورای نگهبان بر سلامت انتخابات نظارت، صحت آن را تأیید و نتیجه نهایی را اعلام می‌کند. در این صورت امتناع رهبری از امضای حکم ریاست‌جمهوری منتخب مردم به معنای زیر سؤال بردن انجام وظیفه نمایندگان آن خواهد بود [۲۰، صص ۷۶-۷۷].

مطابق نظر موافقان، تشریفاتی بودن امضای حکم ریاست‌جمهوری، امضای رهبری صرفاً آغاز رسمی دوره ریاست‌جمهوری منتخب را مشخص می‌کند. مخالفان تشریفاتی بودن امضای رهبری معتقدند که این امضا تنفیذ انتخاب مردم است تا رئیس‌جمهور بتواند از حقانیت الهی برخوردار شود. این حقانیت برای مقامات سیاسی در نظام‌های مبتنی بر بنیانهای مذهبی لازم است. رئیس‌جمهور به امضای رهبری نیازمند است تا بتواند اختیارات و وظایف قانونی خود را با مشروعیت دینی و الهی انجام دهد [۲۹، ص ۲۷۴]. امضای حکم ریاست‌جمهوری در واقع اجازه مقام ولایت برای مشروعیت تصرفات رئیس‌جمهور است [۵، ص ۵۵۴]. رهبران نظام سیاسی نیز تاکنون بر نصب منتخبان مردم به ریاست‌جمهوری تأکید داشته‌اند و این تنفیذ را به صورت مشروط انجام داده‌اند [۶، صص ۲۹۸-۳۰۱]؛ به‌گونه‌ای که اندیشه امکان عزل مستقیم رئیس‌جمهور به‌وسیله رهبری در صورت تخطی از شرایط مقرر در حکم انتصاب را می‌تواند تقویت کند. ریاست‌جمهوری وقتی رسمیت پیدا می‌کند که از جانب ولی امر عهده‌دار این مسؤولیت شود [۳۰، ص ۱۴۱؛ ۳۱، ص ۴۷۷].

به نظر می‌رسد فلسفه امضای حکم ریاست‌جمهوری به‌وسیله رهبری را می‌توان در حقانیت دوگانه‌ای جستجو کرد که حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران را از حاکمیت در سایر نظام‌های

سیاسی متمایز می‌کند [۲۰، صص ۱-۵]. قانونگذار اساسی می‌خواهد که رئیس‌جمهور از حقانیت دموکراتیک از طریق انتخاب مردم و از حقانیت تئوکراتیک از طریق امضای رهبری برخوردار شود. گروهی از خبرگان قانون اساسی نیز در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی چرایی امضای حکم ریاست جمهوری به وسیله رهبری را جستجو می‌کردند [۴، صص ۱۱۸۹-۱۱۹۵]. نایب رئیس مجلس در پاسخ به یکی از خبرگان بیان می‌کند که این امضا تنفیذ است [۴، ص ۱۱۸۹]. در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز بر لزوم لحاظ مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی در فرایند انتخاب رئیس‌جمهور تأکید می‌گردید [۲۲، ص ۵۳۶]. البته آیت الله شهید بهشتی در یکی از سخنرانیهای پس از انتشار متن قانون اساسی اشاره می‌کند که انتخاب مردم قطعی است و هیچ حق وتویی برای رهبری پس از انتخاب رئیس‌جمهور به وسیله مردم وجود ندارد [۳۳، ص ۳۷].

۹- نتیجه‌گیری

رئیس‌جمهور از طریق انتخابات همگانی و مستقیم انتخاب می‌شود و تجدید انتخاب متوالی او تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است. رأی‌گیری همگانی مستقیم به رئیس‌جمهور حقانیت بالایی اعطا می‌کند تا بتواند از حمایت افکار عمومی برای پیشبرد برنامه‌های خود استفاده کند. رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور انتخاب شود. بسیاری از این شرایط غیرقابل ارزیابی می‌باشند که این وضعیت می‌تواند آزادی انتخابات و امنیت حقوقی شهروندان را خدشه‌دار کند. تأکید بند ۹ اصل ۱۱۰ بر تأیید «صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید» دلالت دارد که شرایط انتخاب‌پذیری محصور در نص اصل ۱۱۵ است و افزودن به آن نقض قانون اساسی است. تأیید صلاحیت داوطلبان و نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری با شورای نگهبان است. نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

انتخاب رئیس‌جمهور با نظام اکثریت مطلق دو مرحله‌ای است. در صورت عدم کسب اکثریت مطلق به وسیله داوطلبان در دور اول، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود که در آن تنها دو داوطلب برتر دور اول رقابت می‌کنند. کناره‌گیری احتمالی هر یک از دو داوطلب برتر دور اول می‌تواند به ورود داوطلب بعدی در رقابت منجر شود. مطابق اطلاق صدر اصل ۱۱۷



برای انتخاب به ریاست جمهوری در مراحل اول یا دوم رأی‌گیری کسب اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان لازم است، اما نظریه تفسیری شورای نگهبان انتخاب رئیس‌جمهور با اکثریت نسبی را نیز در مرحله دوم می‌پذیرد.

انتخابات ریاست‌جمهوری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که پیش از پایان دوره رئیس‌جمهور کنونی، رئیس‌جمهور بعدی انتخاب شود. فوت یکی از داوطلبان مراحل اول یا دوم می‌تواند انتخاب رئیس‌جمهور جدید را با تأخیر مواجه سازد. در واقع فوت یکی از نامزدهای احراز صلاحیت شده طبق قانون اساسی در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری دور اول به تأخیر دو هفته‌ای انتخابات و فوت یکی از دو نفر حایز اکثریت دور نخست در فاصله دور اول و دور دوم انتخابات به تمدید دو هفته‌ای مهلت انتخابات منجر می‌شوند. فوت یکی از داوطلبان پس از مهلت ثبت‌نام و پیش از احراز صلاحیت، یا پس از احراز صلاحیت اما بیش از ده روز به رأی‌گیری یا مواجه‌شدن داوطلبان با مانع و نه فوت از اسباب تمدید یا تأخیر انتخابات نمی‌باشند. تحریر نامناسب ذیل اصل ۱۲۰ به‌گونه‌ای است که حکم قانونگذار اساسی در صورت فوت یک یا هر دو داوطلب حاضر دور دوم پس از کناره‌گیری یک یا هر دو نفر حائز اکثریت دور نخست روشن نیست. قانونگذار اساسی می‌توانست هم حالت مانعیت را در کنار فوت داوطلبان اضافه کند و هم فوت یا مانع بودن هر دو داوطلب حاضر در مرحله دوم را از اسباب تأخیر یا تمدید انتخابات قرار دهد. در صورت فوت یکی از داوطلبان، انتخابات تنها برای دو هفته به تأخیر می‌افتد یا تمدید می‌شود بدون اینکه مجموع عملیات انتخاباتی تجدید و امکان ورود داوطلبان جدید فراهم شود. تأخیر یا تمدید مهلت انتخابات می‌باید به گونه‌ای باشد که زمینه ثبت‌نام و معرفی نامزد جدید را برای طرفداران داوطلب متوفا یا دارای مانع فراهم سازد تا در رقابت انتخاب ریاست‌جمهوری نمایندگی شوند.

۱۰- منابع

- [۱] هاشمی، س.م؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، چ ۳، تهران: دادگستر- میزان، زمستان ۱۳۸۰.
- [۲] قاضی، ا؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی؛ ج ۱، چ ۴، تهران: دانشگاه تهران، دی ۱۳۷۲.
- [۳] کاتوزیان، ن؛ نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی؛ در: مجموعه مقالات گامی به سوی

- عدالت، ج ۱، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۸.
- [۴] صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲- جلسات سی و دوم تا پنجاهم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۴.
- [۵] یزدی، م.؛ قانون اساسی برای همه؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- [۶] نجفی اسفاد، م.، محسنی، ف.؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲، تهران: الهدی، ۱۳۸۱.
- [۷] طباطبایی موتمنی، م.؛ حقوق اساسی؛ تهران: میزان، بهار ۱۳۸۰.
- [۸] صفار، م.ج.؛ حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱۸، تهران مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲.
- [۹] تقی‌زاده، ج.؛ شرایط عام انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی؛ پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- [۱۰] تقی‌زاده، ج.؛ شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی؛ نشریه حقوق اساسی، ش ۶ و ۷، زمستان ۱۳۸۵.
- [۱۱] شریف، م.؛ نگرش حقوقی به مقوله نظارت استصوابی؛ در: نظارت استصوابی، به اهتمام روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، تهران: نشر افکار، زمستان ۱۳۷۸.
- [۱۲] علی‌زاده طباطبایی، س.م.؛ تأملاتی در باب ماهیت حقوقی نظارت شورای نگهبان برانتخابات؛ در: نظارت استصوابی، به اهتمام روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، تهران: نشر افکار، زمستان ۱۳۷۸.
- [۱۳] مهرپور، ح.؛ مجموعه نظریات شورای نگهبان؛ ج ۱، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
- [۱۴] مهرپور، ح.؛ مجموعه نظریات شورای نگهبان؛ ج ۲، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
- [۱۵] علینقی، ا.م.؛ نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- [۱۶] حسنی، ح.؛ مقامات عالی قوه‌مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آنها؛ ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- [۱۷] حسین‌زاده، ج.؛ مفهوم اکثریت مطلق؛ مدرس علوم انسانی، دوره ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۸۲.



- [۱۸] جعفری ندوشن، ع.ا.؛ تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۳.
- [۱۹] مجموعه نظریات شورای نگهبان؛ تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۵۹-۱۳۸۰)، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تابستان ۱۳۸۱.
- [۲۰] هاشمی، س.م.؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲، چ ۶، تهران: میزان، پاییز ۱۳۸۱.
- [۲۱] صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲، جلسات پانزدهم تا بیست و هشتم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.
- [۲۲] مدنی، س.ج.؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ چ ۷، تهران: پایدار، بهار ۱۳۸۴.
- [۲۳] ساعد وکیل، ا.، عسکری، پ.؛ قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی؛ تهران: مجد، ۱۳۸۳.
- [۲۴] کاتوزیان، ن.؛ نقدی تحلیلی بر پیش‌نویس قانون اساسی؛ در: مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت، ج ۱، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۸.
- [۲۵] صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۳، جلسات پنجاه و یکم تا شصت و هفتم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
- [۲۶] مجموعه قوانین و مقررات انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: ستاد انتخابات کشور، ۱۳۸۴.
- [۲۷] مدنی، س.ج.؛ حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۵، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- [۲۸] مدنی، س.ج.؛ حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲، چ ۲، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- [۲۹] عمید زنجانی، ع.؛ فقه سیاسی؛ ج ۱، چ ۴، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷.
- [۳۰] شعبانی، ق.؛ حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران؛ چ ۱۸، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۴.
- [۳۱] وفادار، ع.؛ حقوق اساسی و تحولات سیاسی؛ چ ۳، تهران: وفادار، اسفند ۱۳۸۲.

[۳۲] صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱ جلسات اول تا چهاردهم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.

[۳۳] بهشتی، س.م.؛ میان‌نظری قانون اساسی؛ ج ۳، تهران: بقیعه، ۱۳۸۰.